

# نقد اخلاق مدرن

## معصومه علی اکبری

کین توزی رسید اما آن را ثمره «عشق به نوع بشر» دانست؟ نیچه ریشه اخلاق مسیحی را در کین توزی دید و ماکس شلر ریشه اخلاق مدرن را در کین توزی یافت. این دو اگرچه منشأهای متفاوتی برای سیراب کردن کین توزی یافتند، اما در مورد ریشه تنومند کین توزی در سرشت انسان‌ها توافق داشتند. هم سرشت بشر دینی و هم سرشت بشر مدرن و هم رفتارهای آنان کاملاً زیر سایه وحشتی به نام کین توزی قرار گرفته و همه رفتارهای او متأثر از همین وحشت است. ماکس شلر از این مشابهت جلو تر هم می‌آید و مدعی می‌شود که حرف نیچه درست است اما این حرف درست براساس نادرست قرار گرفته است. به نظر شلر خطای نیچه در کشف کین توزی به عنوان منشاء داورهای اخلاقی و رفتارهای اخلاقی انسان نیست. خطای او در این است که برای استدلال و اثبات نظریه‌اش به سراغ تاریخ مسیحیت رفته و نمونه‌های تاریخی را به جای مسیحیت اصیل گرفته است. شلر حتی مدعی می‌شود که نیچه رفتارهای انسان مدرن را به حساب رفتارهای دینی گذاشته است. نظر ماکس شلر در نقد خاستگاه نظر نیچه این اشکال را دارد که نیچه اگر به سراغ تاریخ مسیحیت رفته است پس چگونه توانسته مرز میان عمل و عاطفه در انسان مدرن را به جای مؤمن مسیحی بگذارد و فاصله میان دکارت و لوتر و مسیح را پاک کند و با فهم انسان آن‌گونه که دکارت و پاسکال مسیحی تعریف می‌کنند، مبنای اخلاق مسیحی را نقد کند؟ گویا شلر جوهره نقد نیچه بر انسان مدرن امروز را نادیده می‌گیرد که مدعی می‌شود نیچه میان مؤمن مسیحی تاریخی با مؤمن اصیل و با انسان مدرن فرق نمی‌گذارد. همین عدم تمایز مبنای خطای اوست. به نظر نگارنده مسئله اصلی نیچه، نقد اخلاق انسان معاصر خودش است. انسانی که گام به گام در تاریخ جلو آمده و در هر گام از اصالت و اعتبار سپهرهای مابعدالطبیعی او کاسته شده تا رسیده است به انسان عاجز ناتوان ناقص الخلقه‌ای که نیچه تصویرش را نشان می‌دهد. نیچه کاری به مؤمن امروز و دیروز ندارد. مسئله او انسان است، خواه مؤمن و خواه نامؤمن. این هر دو تیپ بی‌مقدار و بی‌مایه گشته‌اند. غلبه انسان‌های دون‌مایه و بی‌مایه بر فضای عمومی هستی و جامعه و جهان نیچه را به این موضع‌گیری تند کشانده است. ماکس شلر هم دقیقاً به همین دلیل علیه مدرنیته عصر خودش می‌شورد. اما مرگ زود هنگام مجالش نمی‌دهد تا نظریه‌اش را در حوزه جامعه‌شناسی اخلاق و فلسفه اجتماعی کامل تر و روشن تر سازد. او هم مثل نیچه زندگی‌اش در این جهانی که یکسره به نقد و نفی آن پرداخته است چندان نمی‌پاید. ماکس شلر هم چون هوسرل و نیچه و هایدگر از

کین توزی. ماکس شلر. صالح نجفی، جواد گنجی. نشر ثالث، ۱۳۸۸. ۲۲۸ ص، ۴۵۰۰۰ ریال.

۱. کین توزی قسمی احساس لاعلاج و دائمی نفرت و تحقیر است که در برخی افراد و گروه‌ها روی می‌دهد. کین توزی ریشه در ناتوانی‌ها یا ضعف‌هایی به همان پایه لاعلاج دارد که افراد یا گروه‌های مزبور از آن‌ها خلاصی ندارند. این ناتوانی‌ها نگرش‌های عاطفی فردی یا جمعی پدید می‌آورند که در همه حال منفی‌اند. ممکن است در کل یک فرهنگ، یک عصر و سر تا پای یک نظام اخلاقی رخنه کند. (ص ۱۳)

۲. هر احساس کین توزی که از ناتوانی فرد یا گروه دچار کین توزی بر می‌خیزد با احساس پنهان بی‌ارزش شماری خود در قیاس با دیگران همراه می‌شود. ناهمانندی توان فرسا میان فرد یا گروه کین توز و دیگر مردمان موجب اختلال در تجربه ارزش‌ها و همه احساس‌های گره‌خورده با این ارزش‌های بی‌سامان و آشفته می‌گردد. (ص ۱۴)

۳. حالت کین توزی دائمی کاملاً متمایز است از واکنش‌های غضب‌آلود یا فوران ناگهانی غیظ و خشم. هرگاه احساس ملال‌آور و کسالت‌بار کین توزی به یمن انتقام و مقابله به مثل موفقیت‌آمیز ارضا شود و به خرسندی برسد، دیگر به معنای دقیق کلمه کین توزی در میان نخواهد بود. درست است که اشخاصی که دست به اعمال خشونت‌بار می‌زنند ممکن است دچار نوعی کین توزی ملال‌آور باشند، خواننده با مطالعه متن شلر به این نتیجه می‌رسد که در سرتاسر اقدامات تروریستی، کین توزی را در کسانی می‌توان سراغ گرفت که خود بمب نمی‌گذارند، بلکه در پشت پرده به اعمالی از این دست خط می‌دهند. (ص ۱۵)

با این سه توضیح تا حدودی چپستی مفهوم کین توزی و چرایی پیدایی آن معلوم می‌شود. اما این معنا چگونه به عنوان یک عاطفه در سرشت آدمیان رخنه می‌کند و فرمان و کنترل رفتار و قضاوت اخلاقی آدمیان را به عهده می‌گیرند؟ ماکس شلر همراه با بازخوانی و تفسیر انتقادی دیدگاه نیچه درباره کین توزی به شرح این چگونگی می‌پردازد.

از میان این دو فیلسوف دهه‌های نخست سده بیست، کدام راست‌تر می‌گفتند؟ نیچه که در جست و جوی منشاء داورهای اخلاقی به کین توزی رسید و آن را ثمره «عشق مسیحی» دانست؟ یا ماکس شلر که او هم در جست و جوی منشاء داورهای اخلاقی به



ماکس شلر

راه‌های درمان را یک به یک نشان می‌دادند. هایدگر بازگشت به وجود و کنده‌شدن از وضعیت مقدر و مقید را پیش نهاد. نیچه هیچ علاجی نیافت جز آوارگی و عصیان‌گری علیه هرچه که هست. هوسرل هم که خیلی مبادی آداب بود به طریق کاملاً علمی و موقر و فلسفی به نقد منصفانه روی آورد. شلر هم راه درمان را در بازگشت به مسیحیت نخستین یافت. این که کدام یک از این راه‌ها درست‌تر و عملی‌تر بود در حد یک معرفی کتاب نمی‌گنجد. وظیفه معرفی آن قدر هست که متکی بر خود کتاب بماند. شلر در این اثر مشخصاً به نقد اخلاق مدرن می‌پردازد. برای نقد چنین اخلاقی به خاستگاه‌ها و مبانی نظری آن روی می‌آورد که یکی ثنویت دکارتی است و دیگری پوزیتیویسم کنتی و سومی هم فایده‌انگاری به جای تعالی باوری است. مهم‌تر از همه این‌ها نشانندن «نوع دوستی» به جای «عشق» است. به نظر او علت‌العلل انحراف اخلاقی اروپا این است که به جای عشق ورزیدن به تک‌تک انسان‌ها، عشق به نوع بشر یا نوع‌دوستی را گذاشت. عشق ورزیدن به تک‌تک انسان‌هایی که لیاقت عشق ورزیدن دارند چون عضوی از ملکوت خداوند هستند، یک توصیه و یک فرمان مسیحی است. اما در مدرنیته به جای این فرمان الهی، فرمان بشری نشست. نوع‌دوستی یک مفهوم کلی است. یعنی دوست داشتن نوع انسان به طور کلی. پس هر چه که بیرون از محدوده‌های سرشت آدمیان باشد درخور دوست داشتن نیست. یعنی که آدمیان نه عضوی از ملکوت خدایند و نه از جنس طبیعت‌اند. ماکس شلر در نقد اخلاق مدرن ریزبین می‌شود و مفاهیمی مثل صداقت و وفاداری را هم در این اخلاق جدید ردیابی می‌کند. تا این جای نظریه او خیلی مناقشه برانگیز نیست. مناقشه آن جایی بروز می‌کند که او به طور همه جانبه و بی‌رحمانه‌ای تمام زیر و بم اخلاق مدرن و انسان مدرن را به نقد می‌کشد و به جای آن تفسیری از مسیح‌اولیه‌ای می‌نشانند که خیلی با کار و کردار و باور انسان مسیحی نخستین و مؤمنان مسیحی قرون وسطی و سپس عصر جدید و معاصر بسیار تفاوت دارد. با این همه نمی‌توان گفت که بخش‌هایی از این اثر که به نقد مدرنیته می‌پردازد، گیراترین وجه نظریه‌اش را نشان می‌دهد.

گیرایی و جذابیت این اثر فارغ از این که ستایش اخلاق مسیحی است یا نکوهش اخلاق مدرن، به خاطر بررسی «کین‌توزی» به عنوان خاستگاه اصیل و مهد پرورش همه احساسات و هیجانات انسان است که رفتارهای او را جهت و معنا می‌بخشد. تحلیل جامعه‌شناختی‌ای که شلر از چگونگی عملکرد کین‌توزی در هدایت رفتار آدم‌ها ارائه می‌دهد، تحلیلی خواندنی و جذاب است. چه گونه می‌شود باور کرد که عشق از چشمه کین‌توزی می‌جوشد و با انقلاب‌های بزرگ و مبارزات عظیم ریشه در عاطفه ژرف و ماندگار کین‌توزی دارند؟ اهمیت این اثر شلر بابت همین دیدگاهی است که براساس آن بنیان بیشتر رفتارهای فردی و جمعی و اعتقادی و اجتماعی را در چنین عاطفه‌ای می‌جوید. کین‌توزی حسی ماندگار و ترکیبی است از حس تحقیرشدگی، حس ناتوانی، حس نفرت و زمینه‌های نامساعد اجتماعی و بیرونی برای بروز انتقام. به نظر ماکس شلر اگر فرد یا گروهی در مخالفت و مقاومت در برابر امر

منتقدان جدی و سرسخت مدرنیته بود. او صریح‌تر از هوسرل مدرنیته و بحران اخلاقی آن را عیان می‌کند و بسیار شفاف‌تر و بی‌ابهام‌تر از هایدگر نظریه‌اش را در زمینه جامعه‌شناسی اخلاق مدرن و اخلاق مسیحی بیان می‌دارد. او صراحتاً در مقابل نقد اخلاق مدرن، اخلاق مسیحی را می‌نشانند. اما نه مسیحیت تاریخی را، بلکه به قول خودش اخلاق اصیل مسیحی را. در برابر این نفی و اثبات باید گفت شلر در آن بخش‌هایی که نقد می‌کند و کاستی‌ها را نشان می‌دهد خوب عمل می‌کند، اما در آن بخش‌هایی که می‌خواهد نیمه پُر لیوان نقدش را نشان بدهد به افراط می‌گراید و چشم بر بسیاری از جزئیات و کلیات تاریخی می‌بندد و حتی آن تفسیرهایی از مسیح را که آشکارا بر جدایی تن و روح و ماده و معنا و تکریم تن و تکریم روح انسان حکم می‌دهد، انکار می‌کند و مدعی می‌شود که در تلقی اصیل مسیحیت اولیه، یعنی مسیح و حواریون‌اش هیچ ثنویتی وجود ندارد. او حتی زهد مسیحی را نه روی‌گردانی از تن و خاک و دنیا بلکه یک‌جور سازگاری متعادل میان این دو بُعد وجود آدمی می‌انگارد. او چنان در تاسی به مسیح – آن‌گونه که خود تصویر می‌کند – باور دارد که حتی اصلاح‌گرانی مثل لوتر را مسیحی معتقد نمی‌شمارد و جریان اصلاح دینی را پس از لوتر تنها زمینه‌ساز پیدایی و گسترش مدرنیته می‌داند. این تمایل شدید او به اخلاق مسیحی و نفی مطلق اخلاق مدرن تا حد زیادی متأثر از زمانه ویژه اوست. نیمه نخست سده بیست یا در هیاهوی جنگ جهانی گذشت یا در طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی فلسفی و سیاسی و اخلاقی و تئوریک برای توجیه جنگ. ماکس شلر در سال ۱۹۲۸ در پنجاه و چهارسالگی از دنیا می‌رود، یعنی وقتی که جنگ جهانی اول را به تمامی تجربه کرده بود و بحران زیر خاکستر جنگ دوم را با تمام وجود احساس می‌کرد. اما نماند تا ببیند که چگونه از یک جرقه کوچک آتش‌های مهیب برافروخته شد.

زمانه جنگ و حضور سایه‌وار آن در اعماق روان و ذهن و وجود آدم‌ها سبب شد تا به همان اندازه که اروپا در تب جنگ می‌سوخت به دنبال راه درمان هم بگردد. عده‌ای از فیلسوفان منتقد مدرنیته

## مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی کومش

ناشر کتابهای تاریخ، فرهنگ، عرفان، هنر و ادبیات ایران

جدیدترین پژوهشهای خود را تقدیم می‌کند:

۱. آزاداندیشی و مردم‌گرایی در ایران / تألیف دکتر عبدالرفیع حقیقت
۲. تاریخ جنبشهای مذهبی در ایران (۴ جلد)
۳. سهروردی شهید فرهنگ ملی ایران
۴. مکتبهای عرفانی در دوران اسلامی
۵. جنبش زیدیه در ایران
۶. مقامات ابوالحسن خرقانی
۷. تاریخ سنگسر سرزمین دلاوران سرسخت
۸. تاریخ پانصد سال حکومت اشکانیان
۹. مولانا از بلخ تا قونیه
۱۰. قهرمانان ملی ایران (از کاوه آهنگر تا دکتر محمد مصدق (در ۳ جلد)
۱۱. نقش ایرانیان در تاریخ تمدن جهان
۱۲. خدمات ایرانیان به اسلام
۱۳. شاعران بزرگ ایران (از رودکی تا بهار)
۱۴. شاعران بزرگ معاصر (از دهخدا تا شاملو)
۱۵. تاریخ روابط خارجی ایران از کهن‌ترین زمان تاریخی تا عصر حاضر
۱۶. هفت هزار سال تقویم تاریخ ایران (از آغاز تاریخ تا عصر حاضر)
۱۷. شهیدان قلم و اندیشه (شامل شرح احوال ۴۶ تن شهید قلم و اندیشه)
۱۸. فرهنگ هنرمندان ایرانی از آغاز تا امروز
۱۹. فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران
۲۰. مجموعه کامل غزلهای سعدی به خط استاد حسن سخاوت
۲۱. ترانه‌های رفیع (دومین مجموعه شعر رفیع)
۲۲. جلوه‌های جهانی مهاجرت‌های تاریخی ایرانیان
۲۳. جنبش شعوبیان (آزادمردان ایرانی) تا قرن پنجم هجری
۲۴. نگین سخن شامل شیواترین آثار منظوم ادبیات فارسی (جلد یازدهم و دوازدهم)
۲۵. حکومت جهانی ایرانیان (از کورش تا آریو برزن)
۲۶. تاریخ قومس (سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام و جندق)
۲۷. عارفان بزرگ ایرانی در بلندای فکر انسانی
۲۸. نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران
۲۹. دیرپایی مغز (ضدپیری) ترجمه دکتر امامی
۳۰. زندگی‌نامه دکتر حسین فاطمی
۳۱. تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی (از مانی تا کمال‌الملک)
۳۲. احسن التقاسیم / مقدسی، ترجمه دکتر علیقلی منزوی
۳۳. تاریخ نهضت‌های ملی ایران (جلد پنجم: از جدال مشروطه تا سقوط جبهه ملی)
۳۴. خمخانه وحدت شیخ علاءالدوله سمنانی
۳۵. وزیران ایرانی (از بزرگمهر تا امیرکبیر)
۳۶. حکومت دینی ساسانیان
۳۷. حافظ رفیع (با مقدمه تحقیقی عبدالرفیع حقیقت)
۳۸. پیام جهانی عرفان (متن سخنرانی عبدالرفیع حقیقت در دانشگاههای آمریکا)
۳۹. حاج ملاعلی الهی، مردم‌پناه نامدار سمنانی
۴۰. غزلهای ناب یغمای جندقی (با مقدمه تحقیقی عبدالرفیع حقیقت با خط استاد حسن ملایی تهرانی)
۴۱. کومش، سرزمین آزاداندیشان (نخستین کانون عرفان ایران)
۴۲. فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز (دو جلد)
۴۳. شوخی در محافل جدی / نوشته دکتر نصرالله شفیقه
۴۴. فروغ انجمن (شامل سخنرانی‌های اعضای دانش‌پژوهان ایران)
۴۵. تاریخ عرفان ایران (از بایزید بسطامی تا نورعلی شاه گنابادی)

تلفن مرکز پژوهش: ۸۸۰۴۸۰۰۴

مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات. تلفن: ۸۸۷۹۴۲۱۸-۱۹

ناخواسته‌ای که حقارت و عجز و سرکوب را به آن‌ها تحمیل کرده، نتوانند انتقام بگیرند و نتوانند حس نفرت خود را به موقع بیرون بریزند، این حس و آن انتقام در لایه‌های پنهانی ذهن و وجدان رانده می‌شوند. آن‌گاه سر بزنگاه گریبان فرد یا گروه را می‌گیرند. به نظر او حس انتقام یک حسن دارد و یک عیب. حسن آن در بروز به موقع آن است که کین تیزی را ابدی نمی‌کند. عیب آن در سرکوب و فرو خوردن‌اش است. حس انتقام اگر با حس ناتوانی از بروز و تخلیه همراه شود، هم‌چون یک سم کشنده چنان در وجود فرد مادام‌العمر جا خوش می‌کند و چنان حس تحقیرشدگی و حس ناتوانی و حس تنفر از ابژه خاص انسانی یا موقعیتی را مدام تجدیدخاطره می‌کند که در مواجهه با موقعیت‌های ریز و درشت مشابه، فرد هرگز سبک و رها نمی‌تواند زندگی آزاد از کین تیزی داشته باشد. به نظر ماکس شلر خشونت‌های انقلابی و خشونت‌های سیاسی حتماً ریشه در یک تجربه پاک نشدنی از حس حقارت و احساس عجز از تلافی و انتقام دارد. از نظر روان‌شناسی اجتماعی این دیدگاه فلسفی - جامعه‌شناختی شلر هنوز هم قابل تأمل است و هنوز هم می‌تواند پنجاه درصد از مسیر تشخیص آسیب‌های روانی اجتماعی و سیاسی و فردی را روشن سازد، اما فقط پنجاه درصد آن را. پنجاه درصد باقی مانده - که پیدا کردن و تشخیص راه درمان است نه تشخیص بیماری - را شلر نمی‌تواند نشان دهد و نمی‌تواند با بازگشت به ایده «ملکوت خدا» به طور ذهنی فرمان الهی را به جای فرمان عشق بنشاند. این جایگزینی هم در نوع خود فراوان زمینه‌کین تیزی را فراهم آورده است. همه اشکال جدی‌ای که می‌توان به شلر گرفت در همین ارجاع به مسیحیتی است که اگرچه به نظر او با مسیحیت تاریخی فرق دارد اما دقیقاً به همان موردهایی ناظر است که در تاریخ مسیحیت (و تاریخ ادیان) رخ داده و زاده شده‌اند. تأمل درباره این دو فرمان و فاصله‌ای که میان آن‌هاست یکی از راه‌های مواجهه با خشونت‌های سیاسی و اجتماعی و فردی و گروهی است که به شدت دامن فرادستان و صاحبان قدرت را گرفته و از آن‌جا دامنگیر افراد اجتماع هم شده است. اگر قرار است تلقی ماکس شلر را از کین تیزی به عنوان منشاء بسیاری از رفتارهای سیاسی و انقلابی و اجتماعی به حساب بیاوریم، نمی‌توانیم فقط کارایی آن را در حوزه فرودستان ببینیم و از یاد ببریم که هر فرادستی، براساس تلقی ماکس شلر، زمانی فرودست بوده است. باز نمی‌توانیم از یاد ببریم که انسان چه فرادست و چه فرودست، چه در اوج قدرت و چه در زیر قدرت هر دو به شدت در برابر این عاطفه تنیده در سرشت انسانی شریک‌اند. هر دو در هر دو شأن متفاوت‌شان می‌توانند ریسمان هدایت‌شان را به دست کین تیزی بسپارند. چه بسپارند اقتدارگرایی‌ای که از قضا به خاطر حس تحقیرشدگی و حس ترس و حس عجز از مواجهه روشن‌گرانه با موقعیت خاص، دست به خشونت می‌برند و هر فریادی را از شدت کینه و نفرت خفه می‌کنند. نمونه‌های حکومت‌های ایدئولوژیک و حزبی و اقتدارگرایانه در سراسر جهان بر کارایی یکسان این فرمان در انسان ضعیف و انسان قوی دلالت می‌کند.